

بسم الله الرحمن الرحيم

ویژگی های جوان مؤمن منتظر

جوان مؤمن منتظر، «آزاداندیش» است

جوان مؤمن منتظر، استقلال فکری دارد. برده فکری کسی یا گروهی نیست. همواره اهل تعقل و تعمق است و بدون تحقیق و اتکا به براهین عقلی، به هیچ مکتب و اندیشه ای گرایش پیدا نمی کند. باید توجه داشت که اسلام آمده است تا موانع آزاداندیشی را از سر راه انسان بردارد و به او کمک کند تا دَفینه های عقلی را از غُمق وجودش بیرون بکشد. از طرف دیگر، جوان مسلمان و انقلابی، همواره به دنبال حکمت است و در این راه، جمود فکری ندارد، لذا اگر لازم باشد حکمت را از کافر و مشرک هم دریافت می کند چه رسد به برادر مسلمان خود. امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند: «خداوند رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود خوب فراگیرد و چون هدایت شود، بپذیرد»

به کل عالم رویکرد «توحیدی» دارد

از منظر جوان منتظر و انقلابی، کثرت مخلوقات در این عالم، و همچنین وجود نظام اسباب، مانع از دیدن وحدت، و احاطه کامل خداوند متعال بر تمامی امور عالم نیست. «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ». جوان مسلمان می داند که اول و آخر، و ظاهر و باطن این عالم خداست، ذرات عالم، من جمله ذرات وجود خود انسان، جنود الهی و مأموران خداوند به شمار می روند. با این نگاه بنیادی است که این آیه شریفه به خوبی درک می شود که خطاب به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» یعنی ای پیامبر، در جنگ بدر، این تو نبود که به صورت انبوه کافران تا دندان مسلح خاک و سنگ انداختی و آنها را زمین گیر کردی، بلکه این خداوند بود که خاک و سنگ به صورت آنها انداخت!

نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ، نیست

جوان مسلمان و منتظر، دین را یک مجموعه جامع و منسجم می داند که لازمه تسلیم شدن در برابر آن، پذیرش و عمل به همه آن است نه بخشی از آن. اینگونه نیست که مانند منافقان، به هر بخشی از دین که به نفعشان بود ایمان آورند و به بقیه دین، کافر شوند. جالب است که منافقان برای این کار توجیه نیز درست می کنند. آنان با این بهانه که بخشی از دین تاریخی است و متعلق به زمان خودش بوده است، و یا این قسمت از تعالیم اسلامی که به دستمان رسیده، سند و مدرک صحیحی ندارد و تفسیر علما از این بخش از دین درست نیست و امثال این بهانه ها، نهایتاً از اسلام یک دین ناقص، منزوی و ناکارآمد درست می کنند تا بلکه از این طریق بتوانند دنیای بی ارزش خود که بر روی باطل و ظلم بنا شده است را حفظ کنند.

با «ولایت»، پیوندی ناگسستنی دارد

جوان مؤمن منتظر می داند که باید دوش به دوش امام زمان خود (ع) و در زمان غیبت امام، دوش به دوش نایب امام خود حرکت کند. آنها کشتی در حال حرکت در دریای موج هستند که هر کس بر آن کشتی سوار شود از خطر غرق شدن در امان می ماند، و هر کس سوار این کشتی نشود یا آن را ترک کند، غرق می شود. بنابراین، نه ذره ای از امامش جلو می زند و نه ذره ای از او عقب می ماند چراکه « الْمُتَقَدِّمِ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ الْأَلَزَمُ لَهُمْ لَاحِقٌ » یعنی: هر کس بر آنها پیشی بگیرد از دین خدا خارج شده، هر کس از آنها عقب بماند هلاک شده و هر کس همراه آنها باشد، به آنان ملحق شده است. با این وصف، جوان مسلمان و انقلابی، گوش به فرمان ولی فقیه و نایب امام زمان است. خواسته های خود را به خواسته های او مقدم نمی کند، در برابر رأی او رأی صادر نمی کند، و همراهی حقیقی با ولی فقیه در دروان غیبت را، تضمینی برای حضور در کنار امام زمان (عج) در عصر ظهور می داند.

آرمان گراست

جوان منتظر آرمان های بلند دارد و همواره برای رسیدن به این آرمان ها در تلاش است. از نظر او، آرمانگرایی با واقع گرایی تعارضی ندارد. آرمان نداشتن و یا کنار گذاشتن آرمان ها، موجب افتادن در ورطه روزمرگی و به تبع آن، پوچی و پژمردگی است.

درباره «حق»، مردّد و دو دل نیست

جوان انقلابی و منتظر با برهان حق را پذیرفته و نه با اوهام؛ لذا درباره حق یقین کامل دارد و هیچگاه درباره آن دچار شک و تردید نمی شود. او در راه حق ثبات قدم دارد و در میان حق و باطل تردد نمی کند. از همین جاست که او هیچگاه از حقگرایی خود در گذشته، نادم و پشیمان نیست و از آن با قدرت دفاع می کند.

مرز «جبهه حق» و «جبهه باطل» را گم نمی کند

با هدایت های امام، تفاوت ها و تمایزات حق و باطل برای جوان مسلمان و انقلابی روشن است. از نظر او، مرز میان حق و باطل مخفی نیست؛ بنابراین، راه را گم نمی کند و دچار خودزنی نمی شود. او شگردهای دشمن را برای فتنه گری و پوشاندن لباس حق بر باطل از امام خود به خوبی فراگرفته است و لذا در فتنه ها هر قدر هم که سنگین و پیچیده باشد، خود را از آسیب و انحراف حفظ می کند.

با دشمن و دوست دشمن، دوستی نمی کند

جوان مؤمن منتظر، دوست و دشمن را به خوبی از همدیگر تشخیص می دهد و در این زمینه دچار اشتباه نمی شود. نه دشمن را دوست می پندارد و نه دوست را دشمن. او به مصداق آیه شریفه «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در برابر کفار سرسخت، و در برابر دوستان مهربان است نه بالعکس! جوان مسلمان و انقلابی به هیچ وجه به دشمن روی خوش نشان نمی دهد و دست خود را به دوستی به سمت دشمن دراز نمی کند. او نه تنها باب دوستی را با دشمن باز نمی کند، بلکه به حکم عقل، با دوست دشمن نیز طرح دوستی نمی ریزد.

بدون وجود حجت الهی، هم‌رنگ جماعت نمی شود

از نگاه جوان مسلمان و انقلابی، همراهی با جماعت یا اکثریت، تنها زمانی مشروع است که آن جماعت و اکثریت بر حق باشند. تا حجت الهی که همان حق است وجود نداشته باشد با اکثریت همراه نمی شود هرچند دچار رنج و محرومیت شود. با این ملاحظه است که جوان مسلمان و انقلابی از شنا کردن بر خلاف مسیر رود خروشان هراسی ندارد و هرگاه لازم باشد با شجاعت به این کار مبادرت می کند.

با کسی بر سر «حق» معامله نمی کند

جوان منتظر، مفتخر است که با تاسی از اسوه و الگوی اهل عالم یعنی پیامبر اکرم (ص)، حق را خط قرمز خود می داند؛ لذا اگر دنیا را با همه گنجینه هایش به او اعطا کنند و وعده عمر جاویدان در این دنیا را نیز به او بدهند، حاضر نیست بر سر حق با کسی معامله کند و از آن ذره ای کوتاه بیاید. کما اینکه امام علی (ع) به این مضمون فرمودند: به خدا قسم، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر افلاک است به من ببخشند تا پوست جویی را به ناحق از دهان مورچه ای برگیرم، چنین نخواهم کرد.

بی درد و بی تفاوت نیست

جوان مؤمن منتظر درد دارد. درد دین، درد جامعه، درد هدایت گمراهان، درد محرومین و پابرهنگان. او با همین دردها زنده است و اتفاقاً زندگی بدون درد را مساوی با مرگ می داند. او نسبت به مسائل اجتماعی غافل نیست و حاضر نمی شود که از متن جامعه فرار کند و به گوشه نشینی رو آورد. یعنی نه اینگونه است که زندگی را بازی فرض کند و دل خود را به تفریح و خوشگذرانی خوش کند، و نه اینگونه است که حاضر باشد به بهانه های واهی - و حتی نوعی مقدس نمایی - از انجام مسئولیت های اجتماعی سرباز بزند و دچار خودانزوایی گردد.

غیر تمند است

جوان منتظر انقلابی نسبت به عقاید و باورهای دینی، نسبت به مقدسات حقیقی، و نسبت به دارایی های ملی و اسلامی خود نظیر سرزمین، عزت و استقلال حساسیت نشان می دهد و با تعصب مثبت، در برابر تخریب باورها و مقدسات اسلامی، و هتک حرمت نوامیس ملی و دینی، از خود غیرت

نشان می دهد. اینگونه نیست که درباره امت اسلام و یا کشورش خیانت شود و او در برابر این موضوع عکس العمل مناسب و قاطع نشان ندهد.

اهل مجاهده است

جوان مؤمن منتظر یک لحظه آرام و قرار ندارد. همواره در حال جهد و کوشش است. او تنبل و ساکن نیست. پرکار و پر تلاش است. وجدان کاری دارد. اهل کارهای ناقص، سست و ضعیف نیست. اساساً در قاموس جوان مسلمان و انقلابی، «نمی شود» و «نمی توانیم» وجود ندارد. به اذن الهی وارد هر کار بزرگی که لازم باشد می شود و به لطف الهی، از آن کار سربلند بیرون می آید و اتفاقاً دشمن نیز همین اعتماد به نفس و خودباوری را نشانه گرفته است. دشمن به خوبی می داند که اگر خودباوری در میان جوانان ما نباشد، جامعه اسلامی دوباره به دوران گذشته اش که دوران سرسپردگی و اسارت بود، بازخواهد گشت.

منظم و سازمان پذیر است

جوان انقلابی مؤمن، شلخته و بی نظم نیست. انضباط کاری دارد. اهل محاسبه است. اهل مشورت است. تک رو نیست. گروهی، متشکل و هماهنگ عمل می کند و به مقررات و سلسله مراتب تشکیلاتی احترام می گذارد.

مغلوب شرایط نمی شود

شرایط هر قدر هم که دچار نوسان باشد و افت و خیز داشته باشد، و یا هر میزان که شرایط عرصه را برای کار کردن تنگ کند، جوان مسلمان و انقلابی مغلوب آن نمی شود. در حقیقت، هیچگاه شرایط بر او سوار نمی شود بلکه اوست که تلاش می کند تا همیشه بر شرایط سوار باشد.

اهل ابتکار و نوآوری است

جوان مسلمان و انقلابی، منفعل نیست و درجا نمی زند؛ او همیشه به دنبال خلاقیت و یافتن راه ها، روش ها و ابزارهای جدید و کارآمد برای حرکت رو به جلوست. با همه این ها، به اسم

نوگرایی، به سنت ها، دارایی ها و تجارب ارزشمند گذشته پشت نمی کند و به خوبی می داند که هر نویی یک روز کهنه می شود؛ لذا ملاک، نو و کهنه بودن نیست، بلکه ملاک، نسبتی است که یک امر با حقیقت و به تبع آن، کارایی دارد.

زیرک است اما فریبکار نیست

جوان منتظر زیرک است یعنی کاملاً هوشمندانه و با در نظرگرفتن همه جوانب امر کار می کند. در عین حال، برای جوان مسلمان و انقلابی، زیرکی با فریبکاری و شارلاتانیسم کاملاً متفاوت است. او هیچگاه به اسم زیرکی و برای دست یابی به هدف، وسیله را توجیه نمی کند و مرتکب فریبکاری و ناجوانمردی، حتی علیه مخالفان خود نمی شود.

در کار خیر، از دیگران سبقت می گیرد

جوان انقلابی منتظر در فعالیت های خود بی حال و کُند نیست بلکه به مصداق آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» که خطاب به مؤمنین می فرماید: در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بگیرید، چنان سریع حرکت می کند که از بقیه جلو می افتد. با این حال، دائماً مراقب است که سرعت بالا و سبقت گیری، تبدیل به شتاب زدگی و تهور هم نشود. به عبارت واضح، سرعت و سبقت همراه با دقت و کیفیت.

همواره به تکلیف فکر می کند

برای جوان مسلمان و منتظر هیچ چیز مقدم بر انجام تکلیف نیست. بنابراین او به چیزی جز فهم تکلیف، و سپس انجام درست آن فکر نمی کند. از یک طرف، اینگونه نیست که نتیجه گرایی صرف او را از انجام تکلیف مقرر شده باز بدارد و از طرف دیگر، اینگونه هم نیست که عدم انجام صحیح تکلیف و اهمال کاری، توفیق دست یابی به نتیجه مورد انتظار را از او بگیرد. در اینصورت، اساساً هیچگونه تعارضی میان تکلیف و دست یابی به نتیجه، وجود نخواهد داشت.

اهل افراط و تفریط نیست

جوان منتظر یک عنصر میانه روست. نه در کارش زیاده روی می کند و نه کم کاری. همواره در وسط حرکت می کند. قرآن کریم خطاب به مسلمین می فرماید: «جعلناکم أمةً وسطاً» یعنی شما را امت میانه ای قرار دادیم (میان افراط و تفریط) تا لیاقت پیدا کنید بر سایر مردم گواه باشید. «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». بعضی ها فکر می کنند، میانه روی یعنی تردد در بین حق و باطل، مقداری از حق و مقداری از باطل را گرفتن! این در حالی است که میانه روی، یعنی تردد صرف در میدان حق و گرایش پیدا نکردن به باطل، چراکه باطل، یا افراط است و یا تفریط.

شور و عقلانیت را با هم پیوند می زند

زندگی بدون حماسه بی معناست. اگر شور و عقلانیت پیوند نخورند، حماسه بوجود نمی آید و بدون حماسه، روشن است که کارهای عظیم و منحصر بفرد هیچگاه انجام نمی شود. با این حال، توصیه به خلق حماسه، منافاتی با عقلانیت ندارد. اصولاً حماسه زمانی حماسه است که شور و عقلانیت در هم تنیده شده باشند و الا حماسه ای که فاقد عقلانیت باشد، ارزشی ندارد. با این وصف، جوان مسلمان و انقلابی، کسی است که با برقراری پیوند میان شور و عقلانیت، زمینه خلق حماسه های عظیم را فراهم می کند.

بدون تابلو کار می کند

جوان منتظر، فقط برای رضای خدا کار می کند لذا اهل ریاکاری نیست. از نظر او، خودنمایی و نصب و بزرگ کردن تابلو، یکی از نشانه های نبود اخلاص است. لذا جوان مسلمان و انقلابی، دوست دارد تا حدی که می تواند و این اجازه به او داده می شود، گمنام و بدون تابلو کار کند. فلسفه گمنامی هم این است که کار برای خوشایند دیگران و یا به منظور کسب شهرت، ارزش حقیقی ندارد. یک امر صد در صد اعتباری است لذا ثمره ای برای انسان نخواهد داشت. از طرف دیگر، اگر انسان برای خدا کار کند، خداوند بر همه چیز گواه است «و هو علی کُلِّ شیءٍ شهید». لذا نیازی به راه انداختن سر و صدا نیست. با همین مبنا، جوان مسلمان و انقلابی نه زبان به تملق درباره کسی می گشاید و نه اجازه می دهد درباره او تملق و و چاپلوسی شود.

با عمل خود، دیگران را به حق دعوت می کند

جوان انقلابی منتظر، با حرف زدنِ صرف مردم را به خیر و صلاح حقیقی دعوت نمی کند. او می داند که اگر در شخصیت او نفاق راه پیدا کند و بین گفتار و رفتارش تناقض دیده شود، حرف ها به ضد خودش تبدیل می شود. بنابراین، عمل جوان مسلمان و انقلابی اگر از حرف او جلو نیفتد، از آن عقب نخواهد افتاد. چه زیبا امیرالمؤمنین (ع) می فرماید که «ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی فرا نمی خوانم، مگر آنکه پیش از آن، خود عمل کرده ام و از معصیتی شما را باز نمی دارم، جز آنکه پیش از آن ترک گفته ام.»

رفتار خود را با اخلاق اسلامی زینت می دهد

جوان مؤمن منتظر، متخلّق به اخلاق الهی است. در واقع، اخلاق الهی همچون تاجی زیبا بر روی سرش می درخشد. او اهل دروغ نیست. اهل عهدشکنی نیست. اهل بخل نیست. اهل غیبت و تهمت نیست. اهل نامهربانی با دیگران نیست. چشم و گوش و زبان او دچار آلودگی نیست و مهم ترین جاذبه او، همین اخلاق است.

نقدپذیر است

از نقد سازنده فرار نمی کند. او دائماً پذیرای نقد است و نقد را عاملی مهم برای رشد و تعالی می داند. بنابراین با سعه صدر با منتقدین خود رفتار می کند. اگر پس از نقد، متوجه اشتباهات خود و نزدیکانش شود، شجاعانه به آن اذعان می کند و تمام سعی خود را مصروف جبران اشتباهاتش می کند.

اهل تکبر و تفاخر نیست

جوان منتظر مؤمن، به مصداق آیه شریفه «و لا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا، إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طَوْلًا» با دیگران متکبرانه برخورد نمی کند. او در مقابل همه مردم خصوصاً اقشار ضعیف جامعه، نه به طور تصنعی بلکه به نحو حقیقی با تواضع و فروتنی برخورد می کند. دعای جوان مسلمان، دعای امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه این است که خطاب به حضرت اله عرض می کند، «خدایا، پایگاهم را در میان مردم بالا مبر مگر آنکه به همان میزان، مرا نزد خودم فرود آوری.» همچنین، جوان مسلمان به دنبال فخر فروشی درباره آنچه دارد اعم از پُست و مقام، مال

و اموال یا علم و دانایی نیست. او درباره خود دچار توهم و خودبزرگ پنداری نمی شود و هیچگاه سعی نمی کند با نوع رفتارش، خود را نسبت به دیگران برتر نشان دهد.

از رفاه زدگی و تجمل گرایی گریزان است

جوان منتظر، همواره خودش را در این دنیا مسافری می داند که بدون وقفه به پایان این سفر نزدیک می شود. چه زیبا فرمود امیرالمؤمنین (ع) که «دنیا در نظر خردمندان، چونان سایه ای است که هنوز گسترش نیافته کوتاه می گردد و هنوز فزونی نیافته، کاهش می باید» لذا جوان مسلمان و انقلابی به دنیا و لذائد دنیوی دلبستگی ندارد. او از دنیا به اندازه نیاز واقعی خود و خانواده اش می طلبد و نه بیشتر چراکه امام علی (ع) می فرمایند: «تَخَفُّوْا تَلْحَقُوْا» یعنی سبکبار باشید تا برسید. از طرف دیگر، جوان مسلمان و انقلابی از رفاه زدگی که کمترین اثر آن، بی دردی و غفلت از محرومین و پابرهنگان است، گریزان است امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «من اگر می خواستم می توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام های لذیذ برگزینم، در حالیکه در حجاز یا یمامه کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد.»

خود را همراه و همدم مستضعفین و پابرهنگان می داند

جوان مسلمان و انقلابی منتظر، با تاسی از پیامبر رحمت (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، افتخار خود را همنشینی و معاشرت با ضعیف ترین افشار جامعه می داند و حضور صمیمی و متواضعانه در بین آنها را نه تنها کسر شأن تلقی نمی کند، بلکه آن را جزو بالاترین ارزش ها تلقی می کند. او حاضر نیست مانند عثمان بن حنیف، آن استاندار خاطی که مورد توبیخ صریح

امیرالمؤمنین (ع) قرار گرفت، بر سر سفره رنگینی بنشیند که محرومان جامعه در آن جایی نداشته باشند.

منافع خود را به منافع مردم ترجیح نمی دهد

جوان منتظر انقلابی، منافع ویژه ای برای خود قائل نیست؛ اگر هم حقی در این زمینه برای او متصور باشد، هیچگاه منافع خود و دوستانش را به منافع عموم مردم ترجیح نمی دهد. به همین دلیل است که جوان مسلمان و انقلابی در کار سیاسی، از حزب بازی و جناح گرایی گریزان است و بین کار تشکیلاتی صحیح در حوزه سیاست و جناح گرایی، تمایز قائل است.

نسبت به بیت المال مسلمین حساسیت دارد

جوان مسلمان و انقلابی منتظر، هرگز بهره برداری نامشروع از بیت المال را چه برای خود و دوستانش، و چه برای دیگران، بر نمی تابد. از منظر او، بیت المال متعلق به عموم مردم است و تصرف ناحق در آن، در هر حد و اندازه ای، هیچگونه توجیه شرعی و قانونی ندارد. از نظر جوان مسلمان و انقلابی، این فقط دزدی یا سهم خواهی ناعادلانه از بیت المال نیست که قبیح و غیرقابل تحمل است، بلکه استفاده نادرست از بیت المال و تضييع اموال عمومی، کم تر آن قبیح و غیرقابل تحمل، نیست.

نه ظلم می کند، و نه ظلم پذیر است

نه ظالم است و نه ظلم پذیر. او از هر رفتاری که بومی ظلم از آن به مشام برسد فرار می کند و در عین حال، نمی نشیند تا دیگران به راحتی به مردم ظلم کنند لذا در برابر ظلم قیام می کند. از طرف دیگر، جوان مسلمان و انقلابی، حاضر نیست تا در کار حق، ذره ای از حق دیگران حتی دشمنانش تضييع شود.

قدرت را امانتی برای اداره صحیح جامعه و اصلاح امور می داند

جوان مسلمان و انقلابی منتظر، شیفته و دلباخته قدرت نیست؛ لذا اگر به سمت قدرت می آید، انگیزه ای جز ادای تکلیف الهی خود یعنی کمک به اداره صحیح جامعه، اصلاح امور و خدمت

حقیقی به مردم ندارد. بر همین مبنا، جوان مسلمان و انقلابی اگر در خود شایستگی به دست گیری قدرت را نبیند، در رها کردن آن و سپردن قدرت به اهلش کوتاهی نخواهد کرد.

با مخالفان، مادام که دست به ستم نزده اند، مدارا می کند

جوان منتظر، با مخالفان خود اهل مداراست. البته اگر مخالفی بخواهد دست به عداوت بزند و ستمگری کند، دیگر مدارایی در کار نیست لکن مادام که مخالفان دست به خصومت نزنند و بنای بر ستمگری نداشته باشند، با آنها به بهترین نحو ممکن مدارا خواهد کرد.

از جولان و قدرت نمایی دشمن هراسی به دل راه نمی دهد

جوان مؤمن منتظر از عِدّه و عُدّه دشمن ترسی به دلش راه پیدا نمی کند. از نظر او به مصداق آیه شریفه ای که خطاب به پیامبر (ص) می فرماید «فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ»، جولان دهی دشمنان در مقابل او، فریبش نمی دهد. جوان مسلمان و انقلابی بنا به فرموده قرآن، جریان باطل را همچون خانه عنکبوت که سُست ترین خانه است، سُست می داند و لذا قدرت نمایی های دشمن، و تهدیدهای او، آرامش الهی را از قلب او نمی گیرد. توجه بفرمایید، اینکه امام راحل (ره) فرمود امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، یک بلوف سیاسی نبود، بلکه بازگو کننده عقیده ای راسخ و واقعیتی قطعی آنهم از زبان یک عارف بالله بود. البته روشن است این رویکرد به جریان باطل، منافاتی با محاسبات لازم و کسب آمادگی کافی برای مقابله با دشمن ندارد.

اهل خودسازی و تهذیب نفس است

جوان مسلمان و انقلابی منتظر به خودسازی و جهاد با نفس بهاء می دهد. او می داند که باید نفس عماره را در خود رام کند و از سلطه شهوات بر وجودش جلوگیری نماید تا به توفیقات بزرگ دست پیدا کند لذا در این راه زحمت می کشد. به انجام واجبات و ترک محرمات اهتمام دارد و در این مسیر ضمن محاسبه نفس، دائماً از خود مراقبت می کند، به نماز اول وقت همراه با حضور قلب، اهمیت می دهد و آن را حقیقتاً معراج خود تلقی می کند. از آثار غیرقابل وصف تضرع در پیشگاه الهی، آنهم در نیمه های شب آگاه است و خود را از آن محروم نمی کند. از توسل به

حضرات معصومین (ع) غافل نیست و آن را به منزله باز شدن درهای رحمت الهی به سوی خود می داند.

با استقامت و صبور است

جوان منتظر انقلابی، در مسیر انجام وظایف خود مقاوم و صبور است. او می داند که توفیقات بزرگ در گرو صبر و استقامت است و به مصداق این آیه شریفه که خطاب به پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ»، او مأمور به استقامت شده است. مأموریتی که آنقدر مهم است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «شِيبَتِنِي سَوْرَةُ هُودٍ» یعنی سوره هود که علما می فرمایند منظور این آیه خاص است، مرا پیر کرد. بنابراین، جوان مسلمان و انقلابی، به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) « برای حق در مشکلات و سختی ها شنا می کند» اما در مواجهه با انواع سختی ها و گرفتاری ها کمر خم نمی کند و از میدان خارج نمی شود.

به وعده های الهی اطمینان کامل دارد

جوان مسلمان و انقلابی، به وعده های الهی درباره پیروزی قطعی حق بر باطل و نصرت الهی که فرمود: «انَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» و یا فرمود: « وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ » و حاکمیت بلامنازع صالحان بر روی زمین که فرمود: « وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ » عمیقاً باور دارد و با اتکاء به همین باورهاست که قیام می کند بدون آنکه هراسی از جربان باطل داشته باشد و یا درباره سرانجام قیام ذره ای به خود تردید راه بدهد.

چشم انتظار ظهور است

جوان مؤمن انقلابی منتظر، چشم انتظار ظهور موجود موعود «ارواحنا لتراب مقدمه الفدا» و شکل گیری انقلاب عظیم جهانی توسط ایشان است. البته از نظر او، انقلاب اسلامی ایران نیز بسترساز ظهور است و به تعبیر امام راحل (ره)، امانتی است در دست ما که باید به سلامت به صاحب اصلی اش که حضرت حجت (عج) است تحویل داده شود. از طرف دیگر، جوان مسلمان و انقلابی، همین الآن حضرت ولی عصر (ع) را انسان کامل حاضر، خلیفه خدا، واسطه فیض الهی به بندگان و ناظر بر اعمال خود می داند. با این حال، اینگونه نیست که انتظار ظهور، او را به سمت حاشیه نشینی

و طفره روی از وظایف اجتماعی و سیاسی بکشاند و یا تصور کند، بدون سربلند شدن در آزمون دوران غیبت، جایگاهی برای او در دوران ظهور وجود خواهد داشت. بنابراین، آن انتظاری از منظر جوان مسلمان و انقلابی مقبول است که نه تنها امیدبخش، بلکه سازنده و پیش برنده باشد.

اهل گذشت و ایثار است

جوان مسلمان و انقلابی منتظر دلبستگی به دنیا ندارد لذا از هر فرصتی برای کمک به دیگران که مساوی با خوشنودی خداوند متعال است، استفاده می کند، فراتر از این، او زندگی اش، اعم از مال، وقت و توان خود را تماماً وقت اسلام و جامعه اسلامی می کند و می داند که به مصداق آیات فراوانی از قرآن کریم، این گذشت و ایثار، مایه تقرب او به خداوند متعال، نجات از عذاب و خوشبختی حقیقی خواهد شد.

عاشق شهادت است

جوان منتظر، به مصداق آیه شریفه «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» شهادت فی سبیل الله و این نوع از لقاء الله را برای خود بهترین فرجام در این دنیا و بالاترین درجه از سعادت در جهان آخرت می داند و لذا همواره برای آن لحظه شماری می کند. در واقع، او با نوشیدن شربت شهادت یا به انتظار نشستن برای آن، به دنبال انجام صادقانه آن عهدی است که از ازل با خدای خود بسته و اعلام این حقیقت است که هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمانی که با خدا بستند رخ نخواهد داد.

امیدواریم که خداوند متعال ما را جزو کسانی قرار بدهد که همه این ویژگی ها، یکجا داشته باشیم.